



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بر اساس تجرید الّا عقیدت
محققان علوم

وینسا برنجکار
استاد استادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم کلام بر اساس تجرید الاعتقاد محقق طوسی

نویسنده:

رضا برنجکار

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم کلام بر اساس تجرید الاعتقاد محقق طوسی
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	سخن «متنا»
۱۲	درس نوشتار
۱۲	درس گفتار
۱۳	فهرست مطالب
۲۶	مقدمه
۲۷	درس اول: اثبات وجود خداوند متعال و قدرت او
۲۷	اهداف درس
۲۷	مقدمه
۲۸	اثبات وجود خداوند متعال
۲۹	برهان حدوث
۲۹	برهان وجوب و امکان
۳۰	تفاوت برهان فلاسفه و متکلمان
۳۱	اثبات صفات خداوند متعال
۳۲	قدرت
۳۲	تعریف متکلمان از قدرت
۳۳	تعریف فلاسفه از قدرت
۳۴	اثبات قدرت
۳۵	چکیده
۳۵	پرسش
۳۶	درس دوم: عمومیت قدرت، صفات علم، حیات و اراده

۳۶	اهداف درس
۳۶	عمومیت قدرت
۳۷	علم
۳۸	دلیل احکام
۳۸	دلیل تجرد
۳۸	دلیل استناد هر چیزی به خداوند
۴۰	حیات
۴۰	اراده
۴۲	دیدگاه های مختلف متکلمان درباره ماهیت اراده
۴۲	دیدگاه اشاعره
۴۲	دیدگاه معتزله
۴۲	دیدگاه کرامیه
۴۲	دیدگاه امامیه و خواجه نصیر الدین طوسی
۴۳	نکته
۴۴	چکیده
۴۴	پرسش
۴۵	متون آموزشی مرکز آموزش الکترونیکی
۴۵	متون گروه کلام
۴۶	درباره مرکز

سرشناسه : برنجکار، رضا، 1342-

عنوان قراردادی : تجرید الاعتقاد

عنوان و نام پدیدآور: علم کلام بر اساس تجرید الاعتقاد محقق طوسی / رضا برنجکار؛

[به سفارش] وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه قرآن و حدیث، مرکز آموزش الکترونیکی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1396.

مشخصات ظاهری : 168 ص.

فروست: درس نوشتار؛ 25.

شابک : 978-964-493-978-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت : کتاب حاضر بر اساس کتاب "تجرید الاعتقاد" تألیف خواجه نصیرالدین طوسی است.

یادداشت: بالای عنوان: متون آموزشی مراکز آموزش الکترونیکی .

یادداشت : کتابنامه : ص . [165] - 167؛ همچنین به صورت زیر نویس .

عنوان دیگر: متون آموزشی مراکز آموزش الکترونیکی .

موضوع : نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، 597 - 672 ق . تجرید الاعتقاد -- نقد و تفسیر

موضوع : کلام شیعه امامیه -- قرن 7ق.

موضوع : 13th century -- Imamite Shiites theology

شناسه افزوده : نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، 597 - 672 ق . تجرید الاعتقاد . شرح

شناسه افزوده: دانشگاه قرآن و حدیث. مرکز آموزش الکترونیکی

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : 4042321396 تن /BP210

رده بندی دیویی : 297/4172

شماره کتابشناسی ملی : 4939975

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

علم کلام

رضا برنجکار

ارزیاب: رسول رضوی صفحه آرا: مهدی خوش رفتار اکرم طراح جلد: حسن فرزانهگان

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث • چاپ: اول / 1396 • چاپ خانه: دارالحدیث

شمارگان 500 • قیمت 8000 تومان • شابک : 978-964-493-978-5

محل پخش

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک 125 تلفن: 02537740523

فاکس: 02537740571/ص . پ 37185 / 4468

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک 29 تلفن: 02537740545

شهرری، حرم حضرت عبدا العظیم حسنی علیه السلام صحن کاشانی تلفن: 55952862

<http://darolhadith.ir>

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم فاطمه کدخدایی

ص: 3

درس نوشتار 25

متون آموزش مرکز آموزش الکترونیکی

علم کلام

بر اساس تجرید الاعتقاد محقق طوسی

رضا برنجکار

ص: 4

«متنا» عنوان مجموعه «متون تدوینی نشر مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث» است. این متون از آغاز تأسیس مرکز - سال 1383 - تا کنون به عنوان منابع درسی دانشجویان در مقاطع کارشناسی و ارشد همواره تدریس شده است. بخشی از متون آموزشی مرکز توسط ناشران دانشگاهی، مانند سمت، منتشر شده است، از سال 1395 مرکز تصمیم گرفته تا همه منابع درسی را به دو صورت ذیل آماده و منتشر نماید:

درس نوشتار

این اصطلاح به متونی اطلاق می شود که استاد افزون بر تدریس، مطالب دروس را قلمی نیز کرده است.

درس گفتار

این عنوان به بخشی از جزوات آموزشی مرکز اطلاق میشود که به جهت فقدان متن مکتوب یا منبع مقبول در آن ماده درسی، همان گفتار استاد در تولید بسته های درسی چندرسانه ای، پیاده و پس از بازنویسی و تغییرات ویرایشی، برای تسهیل در مطالعات و آزمون، به صورت موقت منتشر می شود. امید است صاحبان این آثار فرصت یابند تا این درس گفتارها را به کتاب های منقح تبدیل نمایند.

شایان ذکر است که با توجه به فقر منابع در موضوعات کتاب ها و یا نگاه های نو صاحبان آثار، بسیاری از این جزوات در مراکز معتبر دانشگاهی و حوزوی در حال تدریس است.

از خوانندگان گرامی به جهت برخی کاستی های احتمالی در ویرایش و یا استنادها، که از ناحیه مرکز _ و نه صاحبان آثار _ رخ داده، صمیمانه عذر خواهیم.

مقدمه...13

درس اول: اثبات وجود خداوند متعال و قدرت او

اثبات وجود خداوند متعال...15

برهان حدوث...16

برهان وجوب و امکان...16

تفاوت برهان فلاسفه و متکلمان...17

اثبات صفات خداوند متعال...18

قدرت...19

تعریف متکلمان از قدرت...19

تعریف فلاسفه از قدرت...20

اثبات قدرت...21

درس دوم: عمومیت قدرت، صفات علم، حیات و اراده

عمومیت قدرت...23

علم...24

دلیل احکام...25

دلیل تجرّد...25

دلیل استناد هر چیزی به خداوند...25

حیات...26

اراده...26

دیدگاه های مختلف متکلمان درباره ماهیت اراده...28

دیدگاه اشاعره...28

دیدگاه معتزله...28

دیدگاه کرامیه...28

دیدگاه امامیه و خواجه نصیر الدین طوسی...28

نکته...29

ص: 6

درس سوم: صفات سمیع، بصیر، متکلم و باقی و نفی صفات زائد بر ذات

سمیع و بصیر...31

تکلم...32

صدق کلام الهی...33

باقی...34

نفی صفت زائد بر ذات خداوند...34

نفی شریک از خداوند...35

نفی مثل از خداوند...36

نفی ترکیب از خدا...37

نفی ضد از خداوند...38

نفی مکان از خداوند...39

درس چهارم: عدل الهی، حسن و قبح، قدرت خدا بر فعل قبیح، هدفمندی افعال خدا

حسن و قبح افعال و تعریف عدل الهی...41

اثبات حسن و قبح عقلی...43

دلیل نخست: وجدان...43

دلیل دوم: رد حسن و قبح شرعی...43

نکته...44

اثبات عدل الهی...45

عمومیت قدرت خداوند نسبت به کار قبیح...45

هدفمندی فعل الهی...46

درس پنجم: نفی اراده قبیح، جبر و اختیار، فعل متولد، قضا و قدر

نهی اراده قبیح از خدا...49

جبر و اختیار...51

نظریه کسب اشاعره...52

دلیل محقق طوسی بر اختیار انسان...53

فعل متولد...53

معنای فعل متولد...54

نظریه های مختلف درباره فاعل فعل متولد...55

قضا و قدر...56

درس ششم: هدایت و ضلالت، تکلیف، قاعده لطف

هدایت و ضلالت...60

ص: 7

نخستین معنای اضلال...61

دومین معنای اضلال...61

سومین معنای اضلال...62

معنای هدایت...63

نکته...63

تکلیف...64

معنای تکلیف...64

دلیل حَسَن بودن تکلیف...65

قاعده لطف...65

لطف مقرب...65

لطف محصل...67

تفاوت لطف مقرب و محصل...67

درس هفتم: مساله شرور و آلام

معنای شر...69

دلیل استفاده از واژه «الم» به جای «شر»...70

دلیل حُسن الم...70

اقسام الم رساندن حَسَن...71

قسم نخست: استحقاق...71

قسم دوم و سوم: رساندن نفع و دفع ضرر (عوض)...72

قسم چهارم: شر عادی...72

قسم پنجم: دفاع...73

دیدگاه های دیگر دربارهٔ شرور...73

دیدگاه ثنویه...73

دیدگاه جبریه...73

دیدگاه قائلین به تناسخ...74

دیدگاه ابوہاشم جبائی و محقق طوسی...74

عوض...75

انتصاف...76

درس هشتم: حسن بعثت و وجوب آن، وجوب عصمت پیامبر

حسن بودن بعثت...78

فواید بعثت...79

ص: 8

فایده نخست: تأیید ادراکات عقلی...79

فایده دوم: بیان احکامی که عقل بر آن ها دلالت ندارد...80

فایده سوم: از بین رفتن ترس...80

فایده چهارم: بیان حسن و قبح...80

فایده پنجم: بیان منافع و مضرات...81

فایده ششم: حفظ اجتماع...81

فایده هفتم: رشد و تکامل انسان ها...81

فایده هشتم: تعلیم صنایع...81

فایده نهم: بیان مکارم اخلاق...82

فایده دهم: بیان احکام سیاسی...82

فایده یازدهم: خبر دادن از ثواب و عقاب امور...82

نکته...82

شبههٔ براهمه به نبوت و پاسخ متکلمان به آن...83

وجوب بعثت...84

عصمت...85

دیدگاه های گوناگون دربارهٔ عصمت پیامبر...85

دلایل عصمت...86

دلیل نخست...86

دلیل دوم...86

دلیل سوم...86

درس نهم: دیگر ویژگی های پیامبر، معجزه، کرامت، همیشگی بودن بعثت، شریعت جدید

ویژگی های دیگری که در پیامبر لازم است...88

راه اثبات پیامبر و صدق دعوی او (معجزه)...89

کرامت...90

و جوب همیشگی بودن بعثت...91

الزامی نبودن شریعت جدید برای همه پیامبران...92

درس دهم: اثبات نبوت خاصه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عمومیت آن، افضلیت پیامبران بر فرشتگان

اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق معجزه...94

معجزه قرآن...95

دیگر معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله...96

ص: 9

وجه اعجاز قرآن...98

اشکال یهود و پاسخ خواجه نصیر بدان...98

استدلال یهودیان بر ابدی بودن دین یهود...101

عمومیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله...102

افضل بودن پیامبر صلی الله علیه و آله از ملائکه...103

درس یازدهم: نصب و نص امام، عصمت و افضلیت امام

امامت در لغت...106

نصب امام و دیدگاه های پیرامون آن...107

عدم وجوب نصب امام...107

وجوب نصب امام...107

دلیل وجوب نصب امام بر خداوند...108

عصمت امام و دلایل آن...108

دلیل نخست...109

دلیل دوم...110

دلیل سوم...110

دلیل چهارم...110

دلیل پنجم...111

منافات نداشتن عصمت با قدرت بر گناه...111

دلیل قدرت امام بر گناه...113

افضلیت امام بر مردم...113

نص بر امام از سوی خداوند...114

درس دوازدهم: اثبات امامت خاصه (1)

امامت حضرت علی علیه السلام...117

دلایل امامت امام علی علیه السلام...118

دلیل نخست: اعطای عنوان «امیر المؤمنین» به امام علی علیه السلام...118

دلیل دوم: تعبیر انت الخلیفه من بعدی...118

دلیل سوم: ولی مسلمین...119

دلیل چهارم: حدیث غدیر...120

دلیل پنجم: حدیث منزلت...121

دلیل ششم: جانشینی در مدینه...122

دلیل هفتم: برادر، وصی، خلیفه و قاضی خوانده شدن از سوی پیامبر...122

ص: 10

دلیل هشتم: افضل بودن بر صحابه...123

دلیل نهم: معجزات امام علی علیه السلام...123

درس سیزدهم: اثبات امامت خاصه (2)

دلیل دهم: نداشتن سابقه کفر...126

دلیل دوازدهم: امر الهی به اطاعت از اولی الامر...128

افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام...129

اثبات افضلیت از راه جهاد و شجاعت...129

جنگ بدر...130

جنگ احد...130

جنگ خندق...131

جنگ خیبر...131

اثبات افضلیت از راه علم...132

دلایل دیگر...135

اثبات امامت ائمه علیه السلام...136

دلیل نخست: نص متواتر...136

دلیل دوم: عصمت...136

دلیل سوم: کمالات...137

درس چهاردهم: امکان و وقوع معاد و چگونگی آن

امکان وجود معاد...139

دلیل نخست...139

دلیل دوم...140

امکان نابودی این عالم...140

وقوع نابودی این عالم...141

دیدگاه برخی معتزلیان درباره نابودی عالم...144

اثبات وقوع معاد...145

دلیل نخست: وجوب عمل به وعده...145

دلیل دوم: حکمت...146

دلیل سوم: آیات و روایات...146

درس پانزدهم: پاسخ به شبهات معاد جسمانی، ثواب و عقاب، احباط و تکفیر

شبهات فلاسفه بر معاد جسمانی...148

ص: 11

شبههٔ آكل و مأكول و پاسخ بدان...148

ديگر شبهات و پاسخ به آن‌ها...150

ثواب و عقاب...152

همراهی ثواب و عقاب با تعظیم و اهانت...152

دائمی بودن ثواب و عقاب...152

احباط و تکفیر...153

درس شانزدهم: دائمی نبودن کیفر کبیره، عفو، شفاعت، توبه، آفرینش بهشت و دوزخ

همیشگی نبودن عذاب اصحاب کبائر...156

دلیل نخست...157

دلیل دوم...157

آیات و روایات دال بر دوام عقاب...157

جواز عفو...158

شفاعت...160

توبه...161

خلق پیشین بهشت و دوزخ...162

فهرست منابع و مآخذ...165

آثار منتشر شده دانشگاه قرآن و حدیث...168

ص: 12

آموزه های ادیان الهی در سه بخش عقاید، احکام و اخلاق طبقه بندی می شود. از این میان، بخش عقاید زیر بنای دو بخش دیگر است و از این رو، به آن اصول دین نیز می گویند.

دانشی که به این بخش می پردازد، با نام هایی هم چون علم کلام، علم اصول دین، علم عقاید و فقه اکبر خوانده می شود. مشهورترین این اسامی، اصطلاح علم کلام است که دست کم از قرن دوم هجری شایع شد.

علم کلام دانشی است که درباره اعتقادات دینی به شیوه عقلی و نقلی بحث می کند و ضمن استنباط این اعتقادات از منابع آن، به تبیین، تنظیم و اثبات عقاید دینی پرداخته و به شبهات و اعتراضات مخالفان پاسخ می گوید.

یکی از مهم ترین کتاب های کلامی، کتاب تجرید الاعتقاد اثر خواجه نصیر الدین طوسی (597 - 672) است که با وجود فشرده بودن، در بردارنده یک دوره کلام اسلامی است. این کتاب شامل شش مقصد است که دو مقصد نخست آن به مباحث فلسفی پرداخته و چهار مقصد بعدی درباره کلام و اصول دین می باشد. به دلیل اهمیت این کتاب، شروح بسیاری توسط دانشمندان شیعه و سنی بر آن نگاشته شده است که از مهم ترین آن ها شرح علامه حلی با عنوان کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد است.

در برخی رشته های علوم انسانی، دو واحد کلام اسلامی وجود دارد که منبع اصلی آن کتاب تجرید الاعتقاد است. کتاب حاضر یک دوره کلام اسلامی را بر مبنای این کتاب عرضه کرده است. در این کتاب قسمت های اصلی و مهم تر کتاب تجرید الاعتقاد شرح داده شده است و البته در این شرح بیش ترین استفاده از کتاب کشف المراد علامه حلی بوده است.

لازم به ذکر است نگارنده در این کتاب در صدد توضیح مقصود محقق طوسی است و تنها در موارد محدودی و تحت عنوان «نکته» دیدگاه خود را بیان نموده است.

امید است این کتاب بتواند به عنوان یک متن درسی برای درس کلام اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

درس اول: اثبات وجود خداوند متعال و قدرت او

اهداف درس

فراگیرنده پس از یادگیری مطالب این جلسه می تواند:

به کمک دو برهان «حدوث» و «وجوب و امکان» وجود خداوند متعال را اثبات کند؛ صفت قدرت خداوند را تعریف و اثبات کند.

مقدمه

کتاب تجرید الاعتقاد دارای شش مقصد است که به ترتیب عبارت اند از:

المقصد الاول: في الامور العامة؛ شامل: وجود، عدم، ماهیت، علت و معلول.

المقصد الثاني: في الجواهر والأعراض؛ خواجه نصیر الدین جواهر و اعراض را از امور عامه جدا کرده است. اما در اصطلاح رایج فلسفی، جواهر و اعراض نیز از امور عامه و الاهیات بالمعنی الاعم به شمار می آیند. الاهیات بالمعنی الاعم، در فلسفه شامل مباحث کلی در باب وجود بما هو وجود است که در مقابل الاهیات بالمعنی الاخص، قرار دارد که شامل بحث از واجب الوجود و مجردات است.

المقصد الثالث: في اثبات الصانع تعالی و صفاته و آثاره.

المقصد الرابع: في النبوة.

المقصد الخامس: في الامامة.

المقصد السادس: في المعاد

همان گونه که از عناوین بخش های شش گانه کتاب به دست می آید، در دو مقصد

نخست به امور مقدماتی پرداخته شده و چهار مقصد دیگر اصول دین را مورد بررسی قرار داده است.

در نگاه نخست، شاید این سؤال به ذهن آید که مقاصد سوم تا ششم، چهار اصل از اصول دین را مورد بحث قرار داده است، حال آن که اصول دین پنج اصل است.

در پاسخ باید گفت، در مقصد سوم، مقصود متکلمان از «اثبات الصانع وصفاته»، همان بحث توحید است. به عبارت دیگر، در موضوع توحید، به اثبات خداوند و صفات او می پردازند که یکی از آن صفات، واحد بودن خداوند است. اما مقصود متکلمان از «آثار»، بررسی افعال خداوند است از لحاظ حُسن و قبح و متکلمان این بحث را عدل می دانند. به این ترتیب، دو اصل توحید و عدل، هر دو در یک مقصد (مقصد الثالث) موضوع بحث قرار گرفته است.

مباحث این کتاب بر اساس مقاصد سوم تا ششم ترتیب یافته است که در ادامه آن ها را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

همان گونه که از عنوان مقصد سوم بر می آید، این مقصد دارای سه فصل است. فصل اول درباره اثبات وجود خداوند، فصل دوم درباره صفات خداوند، و فصل سوم درباره آثار و افعال خداوند متعال است.

اثبات وجود خداوند متعال

الأولُ في وجوده تعالى: الموجودُ إن كان واجباً [فهو المطلوب]، وإلا استلزمه لاستِحالة الدورِ والتسلسل؛

[فصل] اول درباره وجود خداوند متعال است: موجود اگر واجب باشد، [فهو المطلوب]؛ و الا لازمه اش واجب الوجود است؛ در غیر این صورت، مستلزم دور و تسلسل خواهد بود.

برای اثبات وجود خداوند براهین مختلفی اقامه شده است که تمامی آن ها از مطلبی آغاز می شود و در نهایت به اثبات وجود خداوند می انجامد. اما آغاز برهان در استدلال های مختلف، متفاوت است. به عنوان مثال، افلاطون در برهان نظم، از نظم عالم آغاز و در نهایت ناظم را اثبات کرد، یا ارسطو در برهان حرکت، از حرکت آغاز کرد و بیان داشت که در عالم حرکت وجود دارد و هر حرکتی نیازمند علت است و اگر سلسله علت ها را دنبال

کنیم، در نهایت به محرکی خواهیم رسید که خود متحرک نیست؛ بلکه محرک نخستین یا محرک نامتحرک است.

متکلمان نیز از حدوث موجودات آغاز و وجود قدیم را اثبات می کنند. فلاسفه نیز از امکان موجودات آغاز و در نهایت، واجب الوجود را اثبات می کنند.

در ادامه، دو برهان متکلمان (برهان حدوث) و فلاسفه (برهان وجوب و امکان) را بررسی خواهیم کرد.

برهان حدوث

متکلمان برای اثبات وجود خداوند، برهان حدوث را مطرح و آن را بر دو مقدمه بنیان نهاده اند:

مقدمه نخست: عالم حادث است. (1)

مقدمه دوم: هر حادثی نیازمند مُحدث است.

نتیجه: عالم نیازمند مُحدث است.

این محدث و ایجاد کننده، خداوند است که قدیم نیز هست؛ زیرا اگر حادث باشد، خود نیاز به محدث خواهد داشت و در این صورت، دور یا تسلسل پیش می آید و می دانیم که دور و تسلسل، هر دو باطل است.

علاوه بر این، اگر ایجاد کننده عالم، حادث باشد، جزء عالم فرض شده است؛ زیرا تمام آن چه حادث است را عالم و جهان (ما سوی الله) نامیدیم. بنابراین، محدث که علت و ایجاد کننده جهان است دیگر نمی تواند حادث باشد بلکه باید قدیم باشد.

برهان وجوب و امکان

فلاسفه نیز برای اثبات وجود خداوند، برهان وجوب و امکان را اقامه کرده و آن را بر دو

ص: 16

1- در احادیث، و نیز کتاب های کلامی، برای اثبات حدوث عالم، دلایل متعددی را بیان کرده اند، مانند اثبات حدوث از راه حرکت و تغییر. برای آشنایی با ادله حدوث عالم ر.ک: کافی، باب حدوث العالم و اثبات المحدث، ص 72-81؛ التوحید، باب اثبات حدوث العالم، ص 292-304؛ کشف المراد، ص 170؛ فیض کاشانی، اصول المعارف، مقدمه، ص 185.

مقدمه نخست: جهان ممکن الوجود است.

مقدمه دوم: هر ممکن الوجودی نیازمند علت است.

نتیجه: جهان نیازمند علت است.

این علت واجب الوجود است. زیرا اگر ممکن الوجود باشد، خود نیز برای موجود شدن، نیازمند علت خواهد بود و اگر سلسله علت ها و معلول ها ادامه یابد، به دور یا تسلسل می انجامد و می دانیم که دور و تسلسل هر دو باطل است. بنابراین، علت جهان در نهایت باید به واجب الوجود ختم شود که وجود برای او ضروری بوده و بی نیاز از علت است.

خواجه طوسی نیز در کلام خود به همین برهان فلاسفه اشاره دارد که در عالم موجوداتی وجود دارند. اگر در میان آن ها واجب الوجودی باشد، مطلوب ما ثابت شده است. اما اگر همه موجودات عالم ممکن الوجود باشند، لازم است علتی داشته باشند؛ و آن علت، واجب الوجود است. چرا که اگر علت این جهان واجب الوجود نبوده و ممکن الوجود باشد، آن علت نیز نیازمند علتی است و آن علت نیز به علت دیگری نیاز دارد و اگر این سلسله ادامه یابد، دچار تسلسل خواهد شد یا به دور (1) گرفتار خواهد آمد. مثلاً به این صورت که علت جهان، الف باشد و علت الف، جهان باشد. یا به این صورت که علت جهان الف است و علت الف، ب است و علت ب، ج است و علت ج، الف است. حال آن که در جای خود اثبات شده است که دور و تسلسل محال و باطل است.

تفاوت برهان فلاسفه و متکلمان

متکلمان در «برهان حدوث» از حادث بودن جهان آغاز می کنند و نیازمندی آن به مُحدث را به اثبات می رسانند که قدیم و واجب الوجود است. اما فلاسفه در برهان «وجوب و امکان» از ممکن الوجود آغاز می کنند و در نهایت، واجب الوجود را به اثبات می رسانند. در حقیقت، «حادث» همان «ممکن الوجودی» است که زمانی نبوده و سپس به وجود آمده است. به عبارت

ص: 17

1- «دور» می تواند صریح و بی واسطه، یا مُضْمَر و با چند واسطه باشد.

دیگر، در هر دو برهان «امکان» وجود دارد، با این تفاوت که برهان حدوث به قید اضافه ای مقید است مبنی بر این که، ممکن، حادث است، یعنی ابتدا نبوده و سپس موجود شده است. همچون درخت پنج ساله ای که ده سال پیش نبود، اما پس از کاشت بذر، رویید و اکنون وجود دارد. این درخت ممکن الوجودی است که به عدم زمانی مسبوق است.

متکلمان بر خلاف فلاسفه، تنها خداوند را قدیم می دانند و ما سوی الله را حادث می شمارند. اما فلاسفه بر اساس برهان وجوب و امکان، معتقدند ممکن الوجود می تواند حادث نباشد. آنان بر این باورند که خداوند واجب الوجود است و جهان ممکن الوجود. ممکن الوجود نیز دو قسم است: حادث و غیر حادث. ممکن الوجود غیر حادث به موجودی گویند که با وجود نیازمندی به علت، از ازل وجود داشته است. مانند عقول مجرد که فلاسفه آن ها را واسطه فیض بین جهان و خداوند می دانند. بنابراین ما با سه نوع موجود روبه رو هستیم: خداوند که واجب الوجود قدیم است؛ ممکن الوجود قدیم و ممکن الوجود حادث.

اما متکلمان از میان این سه دسته، تنها دو دسته را قبول دارند: واجب الوجود قدیم و ممکن الوجود حادث. از دیدگاه آنان ممکن الوجود قدیم وجود ندارد.

البته خواجه نصیر الدین طوسی با آن که جهان را حادث می داند و به سلسله عقول اعتقادی ندارد، اما برهان «وجوب و امکان» فلاسفه را در اثبات خداوند به کار می گیرد. زیرا به اعتقاد او ممکن الوجود بودن جهان برای اثبات خدا کافی است و نیازی به استفاده از حدوث عالم در برهان اثبات وجود خدا نیست؛ هر چند به اعتقاد او جهان حادث زمانی است. این مطلب در بحث بعدی نیز طرح خواهد شد.

اثبات صفات خداوند متعال

همان گونه که پیش تر بیان شد، فصل دوم کتاب تجرید الاعتقاد، به صفات خداوند متعال و اثبات آن ها اختصاص دارد.

اولین صفتی که خواجه نصیر الدین طوسی بدان اشاره دارد، صفت قدرت است. این نوع آغازگری، بیان گر اهمیت صفت قدرت نزد متکلمان است.

متکلمان و فلاسفه در چند موضوع مهم با یکدیگر اختلاف نظر دارند که یکی از آن‌ها، صفت قدرت است. خاستگاه این بحث نیز به موضوع علیت باز می‌گردد. فلاسفه بر این باورند که علیت خداوند ضروری است؛ بدین معنا که ذات او علت تامه است و معلول از علت تامه جدا نمی‌شود. بنابراین، چون خداوند قدیم است، معلول او نیز باید قدیم باشد. اما متکلمان معتقدند علت می‌تواند وجود داشته باشد، اما معلول وجود نداشته باشد. چرا که علیت خداوند بر اساس اختیار است و فاعل مختار می‌تواند هم می‌تواند فعلی را انجام دهد و هم می‌تواند آن را ترک کند. یعنی فاعل مختار هم نسبت به فعل و هم نسبت به ترک علت تامه است نه فقط نسبت به فعل. پس فعل و معلول می‌تواند از فاعل و علت جدا باشد. خداوند نیز می‌تواند باشد و جهان را نیافریند.

بر اساس دیدگاه فلاسفه، ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر علت و معلول از هم جدا نیستند، چگونه است که برخی موجودات در حال حاضر وجود ندارند؟ پاسخ فلاسفه به این پرسش آن است که امکان استعدادی این موجودات برای موجود شدن تحقق نیافته و نتوانسته اند فیض وجود را از خداوند دریافت کنند.

فیض از سوی خدا کامل است. برخی موجودات همچون عقول، از آن جا که امکان استعدادی ندارند و مادی نیستند، از ازل می‌توانند فیض خداوند را دریافت کنند که این دریافت از سوی آنان نیز محقق شده است. اما موجودات مادی همچون درخت این گونه نیستند. بلکه باید تحت شرایطی (مثل وجود دانه و آبیاری و تابش خورشید بر آن و...) و پس از طی زمانی، این فیض را دریافت کنند. بنابراین، باید مقدمات و علل مُعَدّه ای وجود داشته باشد تا با تحقق آن‌ها، آن شیء موجود شود.

تعریف متکلمان از قدرت

الْقُدْرَةُ صِفَةٌ تَقْتَضِي صِحَّةَ الْفِعْلِ مِنَ الْفَاعِلِ لَا إِجَابَهُ، فَإِنَّ الْقَادِرَ هُوَ الَّذِي يَصْحَحُ مِنْهُ الْفِعْلُ وَ التَّرْكُ مَعًا؛

قدرت صفتی است که صحت [امکان] فعل از فاعل را اقتضا می‌کند، نه ایجابش

را. زیرا قادر کسی است که هم فعل و هم ترک آن، هر دو از او صحیح است. مقصود از این کلام آن است که قدرت اقتضای امکان فعل را دارد، نه ایجاب آن را. به دیگر سخن، ممکن است فعل از قادر صادر شود و ممکن است صادر نشود و او می تواند فعل را ایجاد کند یا ایجاد نکند.

تعریف فلاسفه از قدرت

ملاصدرا تعریف فلاسفه و متکلمان از قدرت می گوید:

إن للقدرة تعریفین مشهورین أحدهما صحة الفعل و مقابله أعنى الترك - و ثانيهما كون الفاعل في ذاته بحيث إن شاء فعل و إن لم يشأ لم يفعل و التفسیر الأول للمتکلمین والثانی للفلاسفة؛

برای قدرت دو تعریف مشهور وجود دارد یکی صحت فعل و مقابلهش، یعنی ترک است. تعریف دیگر بودن فاعل در ذاتش، به گونه ای که اگر بخواهد انجام می دهد و اگر نخواهد انجام نمی دهد. (1)

مقصود از این کلام آن است که اگر مشیت باشد، فعل محقق می شود، و اگر مشیت نباشد، فعل محقق نمی شود. اما خود مشیت چگونه تحقق می یابد و آیا قادر می تواند مشیت را انجام دهد یا انجام ندهد؟

در پاسخ باید گفت، برای این تعریف دو حالت متصور است. یکی این که بگوییم قادر می تواند مشیت را انجام دهد یا انجام ندهد؛ و او مشیت را انجام می دهد و فعل انجام می شود. در این صورت این تعریف فلاسفه از قدرت مثل تعریف متکلمان می شود. دیگر این که بگوییم قادر ضرورتاً مشیت می کند و فعل ضرورتاً انجام می شود. یا ضرورتاً مشیت نمی کند و ضرورتاً فعل انجام نمی شود. مقصود فلاسفه حالت دوم است. بنابراین، قادر کسی است که اگر بخواهد، انجام می دهد و اگر نخواهد، انجام نمی دهد؛ و یکی از این دو حالت ضروری است و دیگری محال.

فلاسفه این تعریف را، به دلیل سازگاری آن با بحث ضرورت، در مقابل تعریف متکلمان

ص: 20

1- ملاصدرا، اسفار، ج 6، ص 307؛ رک؛ الحاشیه علی الهیات الشرح الجدید للتجريد، ص 51.

ارائه داده و قدرت را به این معنا می دانند که اگر مشیت بود، فعل نیز خواهد آمد. اما خودِ مشیت چگونه است؟ آیا باید باشد یا نباید باشد؟ فلاسفه معتقدند ذات خداوند کمال مطلق است و مشیت را نسبت به این جهان ضرورتاً اقتضا می کند. بنابراین، وقتی مشیت ضرورتاً از ذات خداوند صادر شود، فعل نیز ضرورتاً صادر خواهد شد. لذا خداوند نمی توانست این جهان را نیافریند.

از دیدگاه متکلمان، در تعریف قدرت، اختیار نیز نهفته است. اما از دیدگاه فلاسفه، قدرت، توانایی انجام فعلی است که قادر حتماً باید آن را انجام دهد. در حقیقت، فلاسفه تعریف قدرت را به صورت شرطیه بیان داشته اند؛ و صدق قضیه شرطیه، هم با صدق دو طرف قضیه سازگار است و هم با کذب دو طرف. یعنی چه بگوییم مشیت هست، پس فعل هم هست و چه بگوییم مشیت نیست، پس فعل هم نیست، در هر دو صورت، قضیه صادق است. اما وجود مشیت به اختیار است یا جبر و ضرورت؟ این نکته در تعریف نیامده، اما فلاسفه معتقدند وجود مشیت به ضرورت است و این مسئله، یکی از اختلافات اصلی بین فلاسفه و متکلمان است.

اثبات قدرت

خواجه طوسی در اثبات صفت قدرت، می گوید:

وُجُودُ الْعَالَمِ بَعْدَ عَدَمِهِ يَنْفِي الْإِيجَابَ؛

وجود عالم پس از عدم آن، ضرورت بین فاعل و فعل را نفی می کند.

وجود عالم پس از عدم آن به معنای حدوث عالم است. بنابراین، حدوث عالم ضرورت بین فاعل و فعل، قادر و مقدر و علت و معلول را نفی می کند و نفی ایجاب و ضرورت، به معنای قادر بودن و صحت فعل و ترک است.

متکلمان و از جمله خواجه نصیر الدین طوسی، بر اساس حادث بودن جهان، قدرت خداوند را این گونه اثبات می کنند:

مقدمه نخست: در مباحث پیشین (امور عامه)، اثبات شد که جهان حادث است.

مقدمه دوم: اگر رابطه علت و معلول (مثل خدا و جهان) ضروری باشد و معلول از علت جدا

نشود پس یا باید هم خدا و هم جهان، هر دو قدیم باشد یا باید هم خدا و هم جهان، هر دو حادث باشند؛ و هر دو حالت محال است. چون می دانیم که خدا قدیم است و جهان حادث.

به این ترتیب روشن می شود که بین علت و معلول (خدا و جهان) رابطه ضرورت و ایجاب وجود ندارد، بلکه حالت «صِحَّةُ الْفِعْلِ وَالتَّرْكِ» است و علتی که رابطه اش با معلول این چنین است قادر نامیده می شود. چنان که می توان گفت خدا بود و جهان نبود (صِحَّةُ التَّرْكِ)، سپس خداوند آفرینش جهان را اراده کرد و جهان را آفرید (صِحَّةُ الْفِعْلِ).

بنابر این، حادث بودن جهان، ایجاب بین علت و معلول را نفی می کند و نفی ایجاب بین علت و معلول، قدرت را به اثبات می رساند.

چکیده

1. برهان اصلی متکلمان برای اثبات وجود خدا برهان حدوث است که بر اساس حادث بودن جهان نیازمندی آن به محدث قدیم که خداست اثبات می شود.
2. برهان فلاسفه اسلامی بر اثبات وجود خدا برهان امکان است که بر اساس ممکن الوجود بودن جهان، نیازمندی آن به واجب الوجود که خداست اثبات می شود.
3. تعریف متکلمان از قدرت، صفتی است که اقتضای امکان فعل و ترک را دارد.
4. متکلمان از راه حدوث ذاتی جهان، علیت ضروری را نفی و قدرت را برای خداوند پرسش اثبات می کنند.

پرسش

1. برهان حدوث را تقریر کنید.
2. برهان امکان را تقریر کنید.
3. تعریف متکلمان و فلاسفه از قدرت را بیان و مقایسه کنید.
4. استدلال متکلمان برای اثبات قدرت را بیان کنید

درس دوم: عمومیت قدرت، صفات علم، حیات و اراده

اهداف درس

فراگیرنده پس از یادگیری مطالب این جلسه می تواند:

عمومیت قدرت خداوند را توضیح دهد؛

علم خداوند را با ذکر دلایلی اثبات کند؛

حیات خداوند را اثبات کند؛

اراده خداوند را اثبات کرده و ماهیت آن را از دیدگاه های گوناگون توضیح دهد.

عمومیت قدرت

قدرت خداوند عمومیت دارد و تمام ممکن الوجودها را شامل می شود. بدین معنا که خداوند می تواند هر ممکن الوجودی را ایجاد کند یا ایجاد نکند. چنان که خواجه طوسی می گوید:

وَعُمُومِيَّةُ الْعِلَّةِ تَسْتَلْزِمُ عُمُومِيَّةَ الصِّفَةِ؛

عمومیت علت مستلزم عمومیت صفت است.

در این عبارت، مقصود از علت، امکان مقدورات و مقصود از صفت، قدرت یا تعلق قدرت است.

موضوع مورد بحث در این کلام، علت تعلق قدرت است که چه زمانی و به چه چیزی تعلق می گیرد. پاسخ آن است که قدرت به اشیاء ممکن الوجود تعلق می گیرد. زیرا اگر وجود آن ها محال (ممتنع الوجود) باشد، قدرت به آن ها تعلق نخواهد گرفت. لذا علت تعلق قدرت به شیئی عبارت است از امکان وجود آن شیء. این علت در تمام ممکن الوجودها وجود

دارد. به عبارت دیگر، از آن جا که تمام مقدورات، ممکن الوجودند و علت در تمام آن ها صادق است، بنابراین، صفت (قدرت) نیز می تواند به تمام ممکن الوجودها تعلق گیرد. بنابراین، عمومیت قدرت اثبات می شود.

خواجه نصیر این مسئله را در رد دیدگاه های چند گروه بیان داشته که عبارت اند از:

- فلاسفه: این گروه بر مبنای قاعده «الواحد» (1) معتقدند خداوند تنها نسبت به عقل اول قدرت دارد و فقط می تواند همورا مستقیماً ایجاد کند. زیرا چیزی که از تمام جهات واحد است، تنها یک چیز می تواند از او صادر شود و آن هم عقل اول است. اما از دیدگاه خواجه نصیر الدین، تمام عالم ممکن الوجود است و خداوند، هم می تواند آن ها مستقیماً بیافریند و هم می تواند با واسطه، عالم و موجودات آن را بیافریند.

- زرتشتیان: آنان معتقدند یزدان (خداوند) آفریننده خیر، و اهریمن آفریننده شر است.

- معتزلیان: برخی از معتزله همچون نظام، معتقدند خداوند بر انجام کار قبیح قدرت ندارد، یا ابوعلی و ابوهاشم جبایی بر این باورند که خداوند بر ایجاد افعال اختیاری انسان (همچون نماز و روزه) قدرت ندارد.

همان گونه که از کلام خواجه نصیر الدین به دست می آید، تمامی این اندیشه ها نادرست است و انجام ندادن فعل قبیح یا ایجاد نکردن افعال اختیاری انسان، به معنای قدرت نداشتن خداوند بر آن ها نیست، بلکه همه این افعال به دلیل ممکن الوجود بودن می تواند متعلق قدرت خداوند قرار می گیرند و خداوند نسبت به ایجاد همه آن ها قدرت دارد.

علم

پس از قدرت، دومین صفتی را که خواجه نصیر مطرح می کند علم الهی است. او درباره اثبات این صفت می گوید:

وَ الْإِحْكَامُ وَ التَّجَرُّدُ وَ اسْتِنَادُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ دَلَائِلُ الْعِلْمِ؛

إحکام، تجرد و استناد هر چیزی به خداوند دلایل علم خداوند است.

ص: 24

1- الواحدُ لَا يَصْدُرُ مِنْهُ إِلَّا الْوَاحِدُ. رك: مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 4، ص 64.

در این عبارت، سه دلیل برای علم خداوند بر شمرده شده که از میان آن‌ها، اولی از متکلمان و دو دلیل دیگر از فلاسفه است.

دلیل احکام

این دلیل از دو مقدمه تشکیل شده است:

مقدمه نخست: افعال خداوند محکم است؛ چنان که تمام جهان هستی، از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین اجزای آن، با نظمی بسیار عمیق و دقیق اداره می‌شود.

مقدمه دوم: کسی می‌تواند فعل محکم و دقیق ایجاد کند که عالم باشد.

نتیجه: خداوند عالم است.

دلیل تجرد

*دلیل تجرد (1)

این دلیل نیز بر دو مقدمه بنیان نهاده شده است:

مقدمه نخست: خداوند مجرد است (مادی نیست).

مقدمه دوم: هر مجردی به خود و غیر خود عالم است.

نتیجه: خداوند به خود و غیر خود عالم است.

دلیل استناد هر چیزی به خداوند

فلاسفه این دلیل را نیز بر دو مقدمه بنیان نهاده‌اند:

مقدمه نخست: همه ممکن‌الوجودها، با واسطه یا بی واسطه، به واجب‌الوجود (خداوند) متکی و مستند هستند و خداوند به خود علم دارد.

مقدمه دوم: علم به علت مستلزم علم به معلول است. زیرا معلول از علت صادر شده و کمال معلول در علت هست.

نتیجه: خداوند به جهان هستی علم دارد.

توضیح این که خداوند به خودش علم دارد و نتیجه این علم، علم به جهان می‌باشد،

1- دلایلی که فلاسفه برای علم خداوند بر شمرده اند، مقدماتی دارد که در دانش فلسفه اثبات شده است. در این جا بدون پرداختن به آن ها، تنها به اصل دلایل اشاره می کنیم.

چون جهان، معلول و صادر شده از خداست و کمال معلول در علت وجود دارد. (1)

حیات

سومین صفتی که خواجه طوسی به آن پرداخته، صفت حیات است. او می گوید:

وَ كُلُّ قَادِرٍ عَالِمٍ حَيٌّ بِالضَّرُورَةِ؛

هر قادرِ عالم، ضرورتاً حی است.

فلاسفه و متکلمان در مورد این صفت اتفاق نظر دارند که به علم و قدرت برمی گردد؛ و با توجه به این که این دو صفت نیز پیش تر اثبات شد، لذا حیات نیز به اثبات می رسد. اما با وجود توافقی که در این زمینه وجود دارد، در تبیین آن تعابیر مختلفی بیان شده است. برخی آن را به صورت سلبی تعریف کرده و آورده اند: «إِنَّهُ عِبَارَةٌ عَنْ كَوْنِهِ تَعَالَى لَا يَسَّ تَحِيلُ أَنْ يَقْدِرَ وَ يَعْلَمَ؛ حَيٌّ موجودی است که محال نیست به چیزی قدرت و علم داشته باشد.» برخی دیگر آن را به شکل ایجابی تعریف کرده و گفته اند: «إِنَّهُ مَنْ كَانَ عَلَى صِفَةِ لِأَجَلِهِ عَلَيْهَا يَجِبُ أَنْ يَعْلَمَ وَ يَقْدِرَ؛ حَيٌّ کسی است که صفتی دارد که به خاطر آن می تواند علم یا قدرت پیدا کند.» به دیگر سخن، حیات چیزی است که علم و قدرت از آن حاصل می شود.

اما آن چه مسلم است این است که اگر علم و قدرت اثبات شوند، حیات نیز اثبات می شود؛ زیرا بازگشت حیات به این دو صفت است. بر همین اساس است که اثبات حیات نیازی به اقامه برهان ندارد و با اثبات دو صفت علم و قدرت، حیات نیز خود به خود اثبات شده است. به همین دلیل، خواجه نصیر الدین و علامه حلی نیز استدلالی بر اثبات این صفت اقامه نکرده و تنها به تفاوت تعابیر اشاره کرده اند.

اراده

چهارمین صفت مورد گفتگو، اراده است. خواجه طوسی می گوید:

وَ تَخْصِيصُ بَعْضِ الْمُمَكِّنَاتِ بِالْإِجَادِ فِي وَقْتٍ يَدُلُّ عَلَى إِرَادَتِهِ تَعَالَى؛

ص: 26

1- این دلیل مبتنی بر نظریه صدور و تفسیر علیت به صدور است که متکلمان، از جمله خواجه نصیر آن را قبول ندارند و به جایش نظریه خلقت و تفسیر علیت به فاعلیت را قبول دارند.

تخصیص بعضی از ممکنات به ایجاد، در زمانی، بر اراده خداوند متعال دلالت دارد.

در توضیح این صفت و اثبات آن باید گفت، خداوند در زمانی برخی ممکن الوجودها را ایجاد نکرده، اما در زمانی دیگر، آن‌ها را ایجاد و خلق کرده است. همین که آن ممکن الوجودها زمانی وجود نداشته و سپس به ایجاد اختصاص یافته و موجود شده اند، نشان دهنده آن است که خداوند اراده دارد. به عبارت دیگر، آن چه باعث می شود چیزی در زمانی ایجاد نشده باشد و در زمان دیگر ایجاد شود اراده است.

اگر خداوند اراده نداشت و فعل او مستقیماً از ذات او صادر می شد، از آن جا که ذات خداوند از ازل بوده است، افعال او نیز باید از ازل موجود بوده باشند. اما همین که جهان هستی یا هر یک از موجودات آن، زمانی نبوده اند و سپس خداوند آن‌ها را آفریده است، به این معنا است که خداوند برخی ممکنات را در یک زمانی به ایجاد تخصیص داده و آن‌ها را در یک زمانی ایجاد کرده است، نه قبل از آن.

از دیدگاه فلاسفه، ذات خداوند علم به خودش را اقتضا می کند، و علم او به خودش، علم به نظام احسن را اقتضا می کند و علم به نظام احسن، صدور عالم را اقتضا می کند. بنابراین، جهان ازلی بوده و همیشه باید بوده باشد. اما به اعتقاد متکلمان و خواجه نصیر الدین، جهان حادث زمانی است و این که خداوند در زمانی نخواسته جهان را بیافریند و در زمانی دیگر خواسته، نشان می دهد که چیزی غیر از ذات و علم خداوند که عین ذات اوست، باید باشد تا جهان با آن ایجاد شود و آن چیز، اراده است. تفاوت این دو حالت (قبل از خلق جهان و بعد از آن) در اراده خداوند است. قبل از این که جهان ایجاد شود، خداوند ایجاد شدن جهان را اراده نکرده بود، پس جهان ایجاد نشده بود. اما بعد از این مرحله، خداوند خلق جهان را اراده کرد و جهان ایجاد شد. بنابراین خدا مرید است.

ذکر این نکته لازم است که فلاسفه خداوند را فاعل بالاراده نمی دانند بلکه فاعل بالعلم می دانند (1) و وقتی از اراده سخن می گویند مرادشان علم به نظام اصلح است. در مقابل این

ص: 27

1- با توجه به این که در فلسفه مشاء و اشراق و متعالیه سه تفسیر از این علم شده که نتیجه اش مطرح شدن سه نوع فاعلیت بالعنایه، بالرضا، و بالتجلی است. رک: مرآت الاکوان، ص 650.

دیدگاه، متکلمان همگی اصل اراده را قبول دارند و آن را چیزی غیر از علم می دانند که سبب ایجاد عالم است. از این رو، آنان فاعلیت خدا را فاعلیت بالاراده یا بالقصد می دانند.

با وجود این، درباره تفسیر و ماهیت اراده، میان متکلمان اختلاف نظر وجود دارد.

خواجه نصیر الدین طوسی درباره ماهیت اراده می گوید:

وَلَيْسَتْ زَائِدَةٌ عَلَى الدَّاعِي وَإِلَّا لَزِمَ التَّسَلُّسُ أَوْ تَعَدُّدُ الْقَدَمَاءِ؛

اراده چیزی زائد بر داعی (انگیزه) نیست، و الا مستلزم تسلسل یا تعدد قدماء خواهد بود.

دیدگاه های مختلف متکلمان درباره ماهیت اراده

دیدگاه اشاعره

اشاعره معتقدند ذات خداوند و هفت صفت او قدیم هستند. این هفت صفت عبارت اند از علم، سمع، بصر، حیات، قدرت، اراده و تکلم. بر این اساس، آنان اراده را امری زائد بر ذات و قدیم می دانند.

دیدگاه معتزله

اکثر متقدمان معتزله همچون ابوعلی و ابوهاشم جبائی، معتقدند اراده، امری حادث است، ولی نه در محل و مکان. اما اکثر متاخران آن ها مانند ابوالحسین بصری معتقدند اراده همان داعی (انگیزه) است.

دیدگاه کرامیه

این گروه معتقدند اراده خدا حادث است، اما در ذات او؛ زیرا نیازمند محل است و محل آن نیز ذات خداوند است.

دیدگاه امامیه و خواجه نصیر الدین طوسی

همان دو نظریه اصلی معتزله در میان امامیه نیز مطرح است. خواجه نصیر، دیدگاه ابوالحسین بصری را برگزیده است و اراده را داعی (انگیزه) می دانند. به این دلیل که اگر اراده غیر از داعی باشد، یکی از دو اشکال به وجود خواهد آمد:

- تسلسل: اگر اراده را حادث بدانیم و بگوییم خداوند برای ایجاد عالم اراده می کند، اراده فعلی خواهد بود که برای ایجاد آن نیز اراده دیگری لازم است. اراده دیگر نیز فعلی است که ایجاد آن نیز مستلزم وجود اراده دیگری است و این سیر اراده و نیاز آن ها به اراده دیگر به تسلسل می انجامد که خود امری محال و باطل است.

- تعدد قدما: اگر طبق دیدگاه اشاعره اراده را قدیم بدانیم، تعدد قدما پیش خواهد آمد. چه این که، همان گونه که گذشت، اشاعره به هشت قدیم (ذات و هفت صفت) معتقدند. حال آن که تنها یک قدیم وجود دارد و آن خداوند است.

لذا خواجه نصیر الدین برای رهایی از تسلسل و تعدد قدما، بر این باور است که اراده همان داعی است.

نکته

خواجه نصیر معتقد است اگر اراده حادث و غیر از داعی باشد، تسلسل پدید خواهد آمد. در حالی که این گونه نیست؛ چنان که امام صادق علیه السلام در پاسخ به همین اشکال فرمودند:

(خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ)؛ (1)

خدا مشیت یعنی خواست خود را بخود آن آفرید (بی آن که چیزی در خلقت آن واسطه باشد)، سپس اشیا را به مشیت آفرید.

همان گونه که از این روایت نورانی به دست می آید، خداوند اشیا را با مشیت خود می آفریند، اما مشیت او نیازمند مشیت دیگری نیست. همان طور که قبلاً گذشت، قادر کسی است «که صححة الفعل و الترك» دارد. بدین معنا که می تواند اراده کند و می تواند اراده نکند. به عبارت دیگر، اراده کردن یا نکردن در اختیار خود او است و نیازمند چیز دیگری نیست. در روایت دیگری می خوانیم:

(الْمَشِيَّةُ وَالْإِرَادَةُ مِنْ صِفَاتِ الْأَفْعَالِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَزَلْ مُرِيداً شَائِئاً فَلَيْسَ)

بِمَوْحَدٍ؛ (2)

ص: 29

1- التوحيد للصدوق، ص 148.

2- همان، ص 337، ح 5.

مشیت و اراده از صفات افعال است، پس هر که گمان کند که خدا پیوسته مرید و خواهنده بوده، موحد نیست.

در حقیقت اراده از صفات فعل است، اما خود نیازمند فعل دیگری نیست. بنابراین، اراده داعی نیست، بلکه فعل است.

عبارت (كُنْ فَيَكُونُ) در قرآن کریم نیز گویای همین امر است؛ «کن» همان اراده است و «یکون» ایجاد است؛ همین که خداوند متعال اراده کرد، فعل ایجاد می شود و نیازمند اراده دیگری نیست. بنابراین، دیدگاه خواجه نصیر الدین با روایات و عقل سازگار نیست و نمی توان اراده را همان داعی دانست.

چکیده

1. قدرت خدا می تواند به همه ممکنات تعلق گیرد.
2. متکلمان از راه نظم جهان، علم خدا را اثبات می کنند.
3. فلاسفه از راه مجرد بودن خدا و این که جهان از خدا صادر شده، علم الهی را اثبات می کنند.
4. حیات به علم و قدرت باز می گردد.
5. تحقق برخی ممکنات در زمانی خاص، اراده خدا را اثبات می کند.

پرسی

1. عمومیت قدرت خدا نسبت به همه ممکنات را اثبات کنید.
2. دلیل متکلمان بر اثبات علم الهی را بیان کنید.
3. دلایل فلاسفه بر اثبات علم الهی را بیان کنید.
4. اراده الهی را اثبات کنید.
5. دیدگاه های مختلف درباره ماهیت اراده را بیان کنید.

علم کلام دانشی است که دربارهٔ اعتقادات دینی به شیوهٔ عقلی و نقلی بحث می‌کند و ضمن استنباط این اعتقادات از منابع آن، به تبیین، تنظیم و اثبات عقاید دینی پرداخته و به شبهات و اعتراضات مخالفان پاسخ می‌گوید.

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های کلامی، کتاب تجرید الاعتقاد اثر خواجه نصیرالدین طوسی (597-672) است که با وجود فشرده بودن، در بردارندهٔ یک دوره کلام اسلامی است.

در برخی رشته‌های علوم انسانی، دو واحد کلام اسلامی وجود دارد که منبع اصلی آن کتاب تجرید الاعتقاد است. کتاب حاضر یک دوره کلام اسلامی را بر مبنای این کتاب عرضه کرده است. امید است این کتاب بتواند به عنوان یک متن درسی برای درس کلام اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

این کتاب به قلم حجة الاسلام والمسلمین دکتر رضا برنجکار استاد دانشگاه تهران به رشته تحریر در آمده است.

vu.qhu.ac.ir

قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک 125 آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام، صحن کاشانی

ISBN:978-964-493-978-5

ص: 31

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

